

تحصیل زیر حاکمیت طالبان:

دانشجویان

«دانشگاه ارزش رفتن را ندارد»



همه چیز از پشت پنجره رویاهایش تغییر کرده است. امیدها رخت بسته‌اند، هدف‌ها نیست شده‌اند، انگیزه با یأس جا بدل کرده، خوشی‌ها پرواز کرده و غم گلبمش را پهن‌تر گسترانیده است. در میان انبوهی از ناامیدی، فرهاد پس از پنج سال تلاش خسته‌گی‌ناپذیر به روزهای پایانی دوره تحصیلی رسیده است؛ دوره‌ای که برای هر دانشجو سرنوشت‌ساز و در عین حال آغازی برای زنده‌گی دیگر، انگیزه دیگر و دورنمای دیگر است. اما او پس از حاکم شدن طالبان، دورنمایی که پیش از آن برای آینده‌اش چیده بود را...

۵



درومانده‌گی مردم و ضعف مدیریت طالبان؛

سیلاب‌ها تلفات و خسارات هنگفت برجا گذاشت

۳

وضعیت تحصیلی مهاجران افغان در ایران



۷

شهردار طالبان در میمنه به اتهام فروش زمین‌های دولتی بازداشت شد

گفتنی است که چندی پیش نیز سید ادیس هاشمی، مدیر عمومی املاک شهرداری میمنه در پیوند به فساد مالی توسط استخبارات طالبان بازداشت شده بود. این در حالیست که مولوی ریخان شهردار پیشین طالبان برای شهر ایبک، مرکز سمنگان هم به اتهام سوی استفاده از ساختمان‌های ناحیه دوم و سوم این شهر برکنار شده بود؛ اما با گذشت چندین ماه هنوز حاضر به پاسخگویی نشده است.

در اداره استخبارات طالبان در این ولایت، علیه داملا محب‌الله مبنی بر اخاذی و غصب زمین شکایت ثبت کرده‌اند. مسوولان محلی طالبان در فاریاب تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. محب‌الله موفق، یکی از تک‌تیراندازان اوزبیک‌تبار طالبان بود که با روی کار آمدن دوباره این گروه به پاس فعالیت نظامی‌اش به حیث شهردار میمنه گماشته شد.

مرکز این ولایت، به اتهام فروش زمین‌های دولتی و شخصی از سوی استخبارات این گروه بازداشت شده است. منابع به روزنامه ۸صبح گفتند که محب‌الله موفق با نه محافظاش روز یکشنبه، ۱ اسد، بازداشت شده‌اند. به گفته منابع، محافظان شهردار طالبان در میمنه پس از خلع‌سلاح دوباره آزاد شدند، اما خود وی در زندان استخبارات به سر می‌برد. براساس اطلاعات منابع، بیش از ۱۶۰ باشنده فاریاب



۸صبح، فاریاب: منابع محلی در فاریاب می‌گویند که داملا محب‌الله موفق، شهردار طالبان برای شهر میمنه،

طالبان حضور زنان در مراسم عزاداری عاشورا در غزنی را منع کردند



۸صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی می‌گویند که ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان در این ولایت، حضور زنان را در مساجد و تکیه‌خانه‌ها ممنوع کرده‌اند. منابع روز دو شنبه، ۲ اسد، گفتند که اداره امر به معروف طالبان در غزنی، به شورای علمای اهل تشیع در این ولایت هشدار داده است تا به زنان اجازه ندهند که در مراسم عزاداری دهه محرم، حضور یابند. به گفته منابع ماموران امر به معروف هشدار دادند که در صورت سرپیچی از این امر، امامان مساجد و اعضای خانواده زنان که در این مراسم حاضر باشند، مورد پی‌گرد قرار خواهند گرفت. گفتنی است که طالبان در هرات نیز تجلیل از دهم محرم را به چهار نقطه شهر محدود کرده‌اند و نسبت به حضور زنان بی‌حجاب در مراسم عزاداران حسینی در این ولایت هشدار داده‌اند. این در حالی است که دو روز پیش، شورای علمای اهل تشیع با برگزاری نشست خبری در کابل از طالبان خواسته‌اند تا محدودیت‌ها بر عزاداران حسینی را بردارند و مانع آزادی‌های مذهبی آنان نشوند.

شهردار علی‌آباد کندز به اتهام لتوکوب مردم بازداشت شد



این در حالی است که در یک رویداد مشابه، داملا محب‌الله موفق، شهردار طالبان برای شهر میمنه، مرکز ولایت فاریاب به اتهام فروش زمین‌های دولتی و شخصی از سوی استخبارات این گروه بازداشت شده است. محب‌الله موفق با نه محافظش روز گذشته بازداشت شده‌اند. گفتنی است که چندی پیش نیز سید ادیس هاشمی، مدیر عمومی املاک شهرداری میمنه در پیوند به فساد مالی توسط استخبارات طالبان بازداشت شده بود.

۸صبح، کندز: منابع محلی در کندز می‌گویند که شهردار طالبان برای ولسوالی علی‌آباد این ولایت، به اتهام لتوکوب مردم بازداشت شده است. منابع می‌گویند که کریم‌الله بهادر، شهردار ولسوالی علی‌آباد کندز صبح روز دوشنبه، ۲ اسد، به‌دلیل لتوکوب، آزار و اذیت و اخاذی‌های کوچک از سوی یک گروه دیگر طالبان در این ولسوالی بازداشت شده است. منابع می‌افزایند که بهادر به‌دلیل اتهام مشابه یک ماه قبل از شهرداری ولسوالی خان‌آباد این ولایت به این ولسوالی تبدیل شده بود.

نگران از آینده تاریک؛ بیشتر باشندگان بلخ حاضر نیستند فرزندان‌شان را به مکتب بفرستند

۳ صفحه



زنده‌گی تناقض‌آمیز یک تبلیغ‌گردینی

۶ صفحه



عمرو خالد یکی از مبلغان دینی پرآوازه مصری است. او تا حدود ده سال قبل، در محبوبیت رقیبی نداشت و مردم برای حضور...



حذف جمعی غیرطالبان ادامه دارد

نه زندان‌های افغانستان برای حبس و مجازات همه آنانی که طالبان دشمن می‌خوانند کافی است و نه آن گروه امکان مالی و بشری توقیف همه مخالفانش را دارد. حذف فزیکه همه آنانی که طالبان دوست ندارند و تکفیر می‌کنند، نیز ممکن نیست. از این رو رهبران آن گروه در آغاز تسلیم‌گیری قدرت اعلام کردند که مخالفان را «عفو» می‌کنند. اعلام نمودند که هیچ کسی را به خاطر سوابقش مجازات نخواهند کرد. عفو طالبان با واکنش‌هایی روبه‌رو شد. گروهی امید داشتند که در صورت واقعی بودن این عفو، برگردند و زیر چتر حاکمیت طالبان زنده‌گی کنند. به‌خصوص آنانی که تفاوت فکری چندانی با طالبان نداشتند و صرفاً برای به دست آوردن نام و نان در جریان متفاوتی خود را به قدرت نزدیک کرده و از آن طریق صاحب سرمایه شده بودند، این اعلام را فرصت می‌دانستند. تعدادی نیز بدون چشم‌داشت و برای از ادامه زنده‌گی عادی به‌ویژه از ایران و پاکستان به قریه و شهر خود برگشتند. سرنوشت برگشته‌گان متفاوت بوده است. برخی زندانی و یا کشته شده‌اند و تعدادی بعد از مدتی سرگردانی دوباره کشور را ترک گفته‌اند.

بخش بزرگی از مخالفان طالب عفو آن گروه را مثل حاکمیت‌شان نامشروع خواندند. آنانی که در مبارزه علیه طالبان نقش مستقیم داشتند، کسانی که از حملات انتحاری و انفجارهای طالبان متضرر شده و قربانی داده بودند و آن عده افرادی که حاکمیت طالبان را عقب‌گرد و افتادن به قهقرای جبران‌ناپذیر می‌دانستند، در پاسخ اعلام عفو گفتند که مخالفان طالب نه، بلکه خود آن گروه به خاطر تروریسم، افراطیت، آدم‌کشی، تخریب‌کاری و مخالفت با پیش‌رفت و آزادی باید از مردم افغانستان عفو بخواهد. با این حال حتی قربانیان تروریسم طالبان و بازمانده‌گان آنانی که گروه طالب کشته بودند، می‌دانستند اگر فرمان عفو باعث توقف کشتار و اذیت بیشتر مخالفان گردد، به سود مردم خواهد بود؛ چرا که اکنون دست طالبان به گلولی هر کسی که خواسته باشند، می‌رسد. گروه طالبان اما جز زورمندان و افرادی که حضور آنان در افغانستان مصرف تبلیغاتی دارد، کسی را عفو نکرده است. اعلام عفو، تاکتیک سیاسی برای آغاز مرحله تازه‌ای از حذف بود. طالبان بعد از برگشت به قدرت، همه مخالفان را نکشتند، اما حذف تنها گرفتن جان نیست. آنان با گرفتن نان، آزادی، آموزش و دیگر حقوق اساسی، مخالفان را به‌طور دسته‌جمعی حذف کرده‌اند و با گذشت هر روز بر ابعاد این حذف فاجعه‌بار عمومی افزوده می‌شود. آنان به جای آن‌که برای انزوا و محرومیت نیروها و افراد ضد طالب زندان‌های بیشتر بسازند، خانه‌ها و محلات را به زندان بدل کرده‌اند. اکنون خانواده‌هایی که دختران جوان بازمانده از تعلیم و تحصیل، مادران و پدران محروم از کار و پسران ناامید دارند، در چار دیواری‌های خانه زندانی‌اند. کسانی از آنان دچار مشکلات روانی شده و هم‌دیگر را شکنجه می‌کنند. خشونت‌های خانواده‌گی اگرچه به دلیل محدودیت‌های رسانه‌ای چندان پوشش نمی‌یابد، اما از موارد معدودی که گزارش می‌شود، پیداست که با افزایش فقر و بیکاری و پهن شدن سایه ناامیدی نهاد خانواده به‌شدت آسیب دیده و فروپاشی دردناکی میان افشار تحت ستم نظام‌مند طالبان، جریان دارد. محدودیت‌های جنایت‌کارانه‌ای را که طی این دو سال بر جامعه تحمیل شده، تنها به حساب جهالت رهبران طالب نمی‌توان گذاشت. آنان از عواقب کار خود آگاهند و می‌دانند که فرامین ضدبشری‌شان کدام افشار را هدف قرار می‌دهد و چه کسانی را وادار به ترک کشور یا گرفتار گرسنه‌گی و شکنجه‌های روانی می‌کند.

مقاومت علیه طالبان نیز باید با این آگاهی ادامه یابد که عفو در کار نیست و پروژه حذف و کشتار که با انفجار و اعمال تروریستی پی‌گیری می‌شود، اکنون از طریق فرمان‌ها و سیاست‌های ضدبشری به خانه‌های مردم کشانده شده است. اگر این وضعیت ادامه یابد، ستون‌های افغانستان آزاد و مترقی آسیب‌های جبران‌ناپذیر خواهد دید و کار بازسازی اداری، علمی و فرهنگی کشور بعد از طالبان، بسیار سخت‌تر خواهد شد.

افزایش شمار تلفات سیلاب در میدان وردک؛

آسیب‌دیده‌گان: عملیات نجات به کندی به پیش می‌ورد از تحریم‌هاست



۸صبح، میدان وردک: منابع محلی در میدان وردک می‌گویند که شمار جان‌باخته‌گان سیلاب‌ها در این ولایت، به ۳۱ تن افزایش یافت. منابع به روزنامه ۸صبح گفتند که در پی جاری شدن سیلاب شب‌شنبه، ۳۱ سرطان، در ولسوالی جلیز این ولایت، ۲۵ تن زخمی شدند و ۲۰ تن دیگر هنوز ناپدید هستند.

در همین حال، ریاست مبارزه با حوادث طبیعی طالبان در این ولایت می‌گوید که در کنار تلفات جانی ۵۰ باب خانه مسکونی، سه محراب مسجد، دو باب مکتب و ۱۲ پل و پلچک در جلیز تخریب شده است.

منابع از تخریب ۸۰۰ جریب زمین زراعتی و تلف شدن ۳۵ راس مواشی نیز در این ولسوالی، خبر

داده‌اند.

با آن‌که طالبان از تلاش‌ها در زمینه کمک‌رسانی به مردم سخن می‌زنند، اما آسیب‌دیده‌گان از کندی در روند عملیات پاکسازی و پیدا کردن ناپدیدشده‌گان شکایت کرده و خواستار توجه جدی مسوولان شده‌اند. در همین حال، منابع از کابل می‌گویند که در نتیجه سرازیر شدن سلاب شب‌شنبه (۳۱ سرطان) در منطقه ارغندی ولسوالی پغمان این ولایت، دست کم ۱۰ تن جان باختند و ۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند.

این در حالی است که اداره هواشناسی تحت مدیریت طالبان از احتمال بارش باران شدید، سیلاب‌های آبی و رعدوبرق در روزهای ۱، ۲ و ۳ ماه اسد در چند ولایت کشور، هشدار داده است.

طالبان یک نظامی پیشین را در کندز کشتند

کشته‌اند.

منابع روز دوشنبه، ۲ اسد، می‌گویند که این نظامی پیشین علی‌احمد قاطع نام داشت و در حکومت پیشین به‌عنوان پولیس ترافیک در فرماندهی امنیه پولیس کندز وظیفه اجرا می‌کرد.

منابع می‌افزایند که طالبان بدون دلیل روز گذشته او را از خانه‌اش بازداشت کرده‌اند و امروز صبح پیکر بی‌جان‌ش را به خانواده‌اش تحویل داده‌اند. طالبان تا کنون در مورد بازداشت و قتل این نظامی پیشین چیزی نگفته‌اند.

این در حالی است که طالبان در روزهای اخیر دست به بازداشت نظامیان پیشین زده‌اند.



۸صبح، کندز: منابع محلی در کندز می‌گویند که طالبان یک نظامی پیشین را در این ولایت

عبدالاحی عابر، گوینده، مترجم و دکلماتور کشور درگذشت



۸صبح، کابل: عبدالاحی عابر، گوینده، مترجم و دکلماتور کشور درگذشت.

خبر مرگ آقای عابر روز دوشنبه، ۲ اسد، توسط دوستانش در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود.

دلیل مرگ وی مشخص نشده است.

او از چهره‌های محبوب تلویزیون و رادیو بود.

عابر سال‌های زیاد در رسانه‌های مختلف افغانستان ایفای وظیفه کرد.

شاهراه کابل - قندهار به‌روی ترافیک مسدود شد

شاهراه در آن جا گیر مانده‌اند.

جاری شدن سیلاب در روزهای اخیر در نقاط مختلف کشور خسارات مالی و تلفات جانی به مردم وارد کرده است.

این در حالی است که سیلاب در میدان وردک جان ۳۱ تن را گرفته، ۲۵ تن را زخمی کرده و ۲۰ تن دیگر هنوز ناپدید هستند.

۸صبح، زابل: منابع محلی در زابل می‌گویند که شاهراه کابل-قندهار به‌دلیل جاری شدن سیلاب به‌روی ترافیک مسدود شده است.

منابع روز دوشنبه، ۲ اسد، می‌گویند که این شاهراه در مسیر غزنی تا ولسوالی شاجوی ولایت زابل بسته شده است. به گفته منابع، صدها مسافر و صدها موتر از لحظات گذشته به‌دلیل بسته شدن این

سیلاب در غزنی دو هزار جریب زمین زراعتی و ۲۵ خانه را تخریب کرد

۸صبح، غزنی: مسوولان محلی طالبان در غزنی می‌گویند که در نتیجه سرازیر شدن سیلاب در چند ولسوالی این ولایت حدود دو هزار جریب زمین زراعتی و ۲۵ باب منزل مسکونی تخریب شده است.

ریاست مبارزه با حوادث طبیعی طالبان در غزنی روز دوشنبه، ۲ اسد، با نشر خبرنامه‌ای گفته که شب گذشته، ولسوالی‌های خواجه‌عمری، جغتو، واغظ، خوگیانی و رشیدان این ولایت، گواه ریزش باران و سرازیر شدن سیلاب شدید بوده است.

براساس اطلاعات این نهاد، در پی این سیلاب‌ها دست کم ۳۰ راس مواشی نیز تلف شده است.

در همین حال، آسیب‌دیده‌گان می‌گویند که همه حاصلات زراعتی‌شان از بین رفته و نیازمند کمک‌های فوری بشری هستند.

گفتنی است که بخش‌هایی از غزنی از سه روز به این‌سو گواه سیلاب شدید بوده است.

این در حالی است که روز گذشته نیز در پی وقوع سیلاب در ساحه تکانه ولسوالی جلیز میدان وردک ۲۵ تن جان باختند و ده‌ها تن دیگر هنوز ناپدید هستند.



طالبان در هرات یک مرد را به‌دلیل پوشش خانمش لت‌وکوب و زندانی کردند

۸صبح هرات: منابع محلی در هرات می‌گویند که طالبان یک مرد را به بهانه این‌که خانمش مانتو پوشیده بود لت‌وکوب و زندانی کرده‌اند. منابه به روزنامه ۸صبح گفتند که این مرد روز یکشنبه، ۱ اسد، در ساحه دروازه ملک شهر هرات، توسط ماموران امر به معروف طالبان بازداشت شده است.

به گفته منابع، فرد بازداشت شده مدت سه ساعت در یک کانی‌تینر حبس شده بود.

طالبان پس از تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، محدودیت‌های علیه زنان وضع کرده‌اند.

این در حالی است که طالبان از یک هفته به این‌سو محدودیت‌های تازه را علیه زنان در این ولایت وضع کرده و گفتند که خانم‌ها مجبورند که چادری یا برقع استفاده کنند.

این گروه به تاکسی‌ران‌ها در هرات نیز دستور داده‌اند که زنان بدون چادری و برقع را انتقال ندهند.



درمانده‌گی مردم و ضعف مدیریت طالبان؛

سیلاب‌ها تلفات و خسارات هنگفت برجا گذاشت

باشنده‌گان کشور در حالی از کمبود نیروی مسلکی، متخصص و باتجربه در نهادهای دولتی زیر کنترل طالبان شکایت دارند که در پی سقوط افغانستان به دست این گروه، ده‌ها هزار نیروی متخصص و مسلکی کشور را ترک کرده‌اند که این اقدام روند کمک‌رسانی و رسیده‌گی به آسیب‌دیده‌گان بلاهای طبیعی را آسیب زده است.

گفتنی است که چندی قبل اتحادیه اروپا ۷.۶ میلیون یورو برای مبارزه با تغییرات آب‌وهوا و ناامنی غذایی در افغانستان کمک کرده است. نماینده‌گی اتحادیه اروپا برای افغانستان گفته که این کمک‌ها برای رفع تغییرات اقلیمی و ناامنی غذایی از طریق پروژه‌های کشاورزی به مصرف خواهد رسید.

سازمان جهانی هواشناسی گفته است که افغانستان در برابر خطرات آب‌وهوا، بسیار آسیب‌پذیر است. این سازمان افزوده که سیلاب‌های آبی شایع‌ترین و مخرب‌ترین چالش زیست‌محیطی در افغانستان است. به گفته این سازمان، از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ حدود ۱۵ هزار تن در رویدادهای مربوط به آب‌وهوا، جان‌های خود را از دست داده‌اند. افزون بر این، مرکز بین‌المللی پایگاه داده‌های بلایای طبیعی برای تحقیقات اپیدمیولوژی (CRED)، گزارش داده که چهار هزار و ۶۱۵ مورد رویداد، ناشی از سیلاب‌های آبی بوده است. براساس این گزارش، سیلاب‌ها در این مدت ۳۹۶ میلیون دالر زیان اقتصادی برای افغانستان برجا گذاشته است.

به باور متخصصان، افغانستان در راستای تغییر اقلیمی نیازمند چارچوب‌های قانونی، مبارزه با چالش‌های محیط زیستی و محافظت از جنگل‌ها، علف‌چرها و حفظ تنوع حیاتی است. این در حالی است که طالبان با تسلط بر افغانستان، تمام چارچوب‌های قانونی و قوانین نافذ دولت پیشین را ملغاً اعلام کرده‌اند. براساس گزارش‌ها، دولت پیشین افغانستان بیش از ۲۰ پالیسی، برنامه و چارچوب قانونی را در زمینه تغییر اقلیم طرح کرده و به منصفه اجرا گذاشته بود.

طبیعی در افغانستان ندارند. آنان ادعا می‌کنند که برخی از مقام‌های محلی طالبان به متضرران سیلاب‌ها گفته‌اند که متوجه اعمال‌شان باشند. همچنان این شهروندان تاکید می‌ورزند که در کنار نبود برنامه، تقرر افراد غیرمسلکی و تمرکز و توزیع بودجه در بخش‌های نظامی این گروه، باعث شده که توجه به تغییرات اقلیمی که از مهم‌ترین موضوعات بشری است، کاهش یابد.

شهروندان کشور می‌گویند که بی‌تدبیری و نبود دانش تخصصی در میان افراد طالبان در پست‌های مهم دولتی، سبب شده که راهکارهای علمی و دقیق برای مبارزه با حوادث طبیعی در کشور به باد فراموشی سپرده شود. آنان تاکید می‌ورزند که این امر در گذشته نیز سنجیده نشده و مشکلات افغانستان از رهگذر تغییرات اقلیمی روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. به گفته این شهروندان، اگر تدابیر جدی‌تر و عاجل‌تر روی دست گرفته نشود، حوادث طبیعی حادثه‌های دلخراشی‌تر خلق خواهد کرد.

با این حال، شمس‌الدین عبینی، یکی از باشنده‌گان کشور، می‌گوید که طالبان در پیش‌بینی و جلوگیری از حوادث طبیعی، وظیفه خود را به‌عنوان رژیم بر سر اقتدار انجام نداده‌اند. او تاکید می‌ورزد که بعد از وقوع حوادث طبیعی، این گروه در ترمیم خرابی‌های ناشی از سیلاب‌ها نیز گزینشی عمل کرده و بیشتر مسوولیت خویش را بر دوش سازمان‌های مدرسان خارجی انداخته است.

میثم نظری (مستعار) یکی از باشنده‌گان کابل، می‌گوید که طالبان برنامه‌ای برای مبارزه با حوادث طبیعی ندارند. به گفته او، طالبان مسوولیت همه اداره‌های فنی و تخنیکی را به افراد خود سپرده‌اند که هیچ نوع ظرفیت تخصصی و دانش مسلکی در این عرصه ندارند. به باور این شهروند، افغانستان زیرساخت‌های لازم برای مقابله با حوادث طبیعی را ندارد و از همین رو نیازمند مدیریت سالم، افراد نخبه و آراسته با دانش مدرن است.



در پی سر از زیر شدن این سیلاب‌ها در هشت ولایت کشور، ۴۰ تن جان باخته، ۴۱ تن ناپدید شده و ۷۴ تن دیگر زخم برداشته‌اند.



امین کاوه

هزار منزل مسکونی و هفت هزار جریب زمین زراعتی مشمول باغ‌ها تخریب شده است. او افزوده است که این وزارت نشستی اضطراری را با نهادهای مدرسان بین‌المللی برگزار کرده و از آن‌ها خواسته است تا به متضرران کمک کنند. این در حالی است که اداره هواشناسی تحت مدیریت طالبان از احتمال بارش باران شدید، سیلاب‌های آبی و رعدوبرق تا سوم ماه اسد در چند ولایت کشور، هشدار داده است.

از سوی دیگر، ریاست مبارزه با حوادث طبیعی طالبان در میدان وردک گفته است که در پی سرازیر شدن سیلاب‌ها در ولسوالی‌های جلیز، نرخ، چک، سیدآباد و جغتوی این ولایت، ۳۰ تن جان باخته و ۱۵ دیگر زخم برداشته‌اند. منابع اما می‌گویند که در پی این سیلاب‌ها، ۲۵ تن زخمی شده و حدود ۲۰ تن دیگر ناپدید شده‌اند. براساس گزارش‌های منابع محلی، در نتیجه سیلاب‌ها در ولایت میدان وردک، ۵۰ باب خانه مسکونی، سه محراب مسجد، دو باب مکتب و ۱۲ پل و پلچک در جلیز تخریب شده است. به گفته منابع، ۸۰۰ جریب زمین کشاورزی نیز در این ولسوالی تخریب شده و ۳۵ راس دام از بین رفته است.

در همین حال، منابع در کابل می‌گویند که در نتیجه سرازیر شدن سیلاب در منطقه ارغندی ولسوالی پغمان این ولایت، دست کم ۱۰ تن جان باخته و ۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. همچنان گزارش شده که در نتیجه سیلاب‌های اخیر در ولسوالی پغمان، ۸۰ خانه و ۴۵۰ باغ تخریب شده است.

این در حالی است که سیلاب‌های موسمی همه‌ساله در افغانستان تلفات و خسارات جبران‌ناپذیر برجا می‌گذارد؛ اما به گفته شماری از شهروندان کشور، طالبان برنامه و استراتژی‌ای برای مبارزه با بلاهای

سیلاب‌های ویرانگر در جریان چند روز گذشته در افغانستان، خسارات هنگفت جانی و مالی به بار آورده است. در پی سرازیر شدن این سیلاب‌ها در هشت ولایت کشور، ۴۰ تن جان باخته، ۴۱ تن ناپدید شده و ۷۴ تن دیگر زخم برداشته‌اند.

وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث زیر کنترل طالبان، می‌گوید که در سه روز گذشته در نتیجه این سیلاب‌ها، علاوه بر تلفات جانی، بیش از نه هزار منزل مسکونی و هفت هزار جریب زمین زراعتی تخریب شده است. این وزارت گفته است که کمک‌های اضطراری به مناطق یادشده ارسال شده است، اما آسیب‌دیده‌گان از کندی در روند عملیات پاک‌سازی و پیدا کردن ناپدیدشده‌گان شکایت دارند. با این حال، منابع در ولایت میدان وردک می‌گویند که تنها در این ولایت ۳۰ تن جان باخته و ۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند.

همچنان در نتیجه سرازیر شدن سیلاب در ولایت غزنی حدود دو هزار جریب زمین زراعتی و ۲۵ باب منزل مسکونی تخریب شده است. با این حال، باشنده‌گان کشور طالبان را به بی‌برنامه‌گی متهم می‌کنند و تاکید می‌ورزند که این گروه به جای تمرکز بر حل مشکلات، به اعمال فشار بر مردم رو آورده‌اند.

وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث زیر کنترل طالبان می‌گوید که در نتیجه سرازیر شدن سیلاب‌ها در چند روز گذشته، ۴۰ تن جان باخته، ۴۱ تن ناپدید شده و ۷۴ تن دیگر زخم برداشته‌اند. شفیع‌الله رحیمی، سخنگوی این وزارت، گفته است که در جریان چند شب گذشته، علاوه بر تلفات جانی، بیش از نه

نگرانی از آینده تاریک؛

بیشتر باشنده‌گان بلخ حاضر نیستند فرزندان‌شان را به مکتب بفرستند

۸ صبح، بلخ



شدم از کشور بیرون شوم؛ چون طالبان دختران را از مکتب و تحصیل منع کردند. امروز در دیار غربت خودم قالدین می‌بافم و فرزندانم در مکتب افغان‌ها درس می‌خوانند. هزاران خانواده از این که دختران‌شان مکتب نمی‌روند، مایوس هستند، اما در عین حال امکانات برای کوچ و ترک کشورشان را هم ندارند.»

کوچ‌های اجباری و فرار مردم به بیرون از کشور، یکی از علت‌های کاهش تعداد دانش‌آموزان در مکتب به شمار می‌رود. محمدنبی، باشنده‌گان ولسوالی چهارکنت ولایت بلخ، به دلیل تهدیدهای امنیتی مجبور به ترک افغانستان شده است. او اکنون در اتک، در نزدیکی اسلام‌آباد، زنده‌گی می‌کند. محمدنبی در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح گفت: «گذشته از این که کارم را از دست دادم، به خاطر سرنوشت فرزندانم مجبور

کاهش بی‌پیشینه داشته باشد. منابع تغییر در نصاب تعلیمی و کاهش دانش‌آموزان در مکتب را صدمه‌ای جبران‌ناپذیر بر بدنه معارف کشور می‌دانند. مدیر معارف یکی از ولسوالی‌های ولایت بلخ که از ذکر نامش در این گزارش خودداری کرد، در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح گفت که قبل از سقوط حکومت پیشین، بیشتر صنف درسی به دلیل کثرت دانش‌آموزان «دوصنفی» بود. به گفته او، اکنون با وجود این که دو صنف با هم مدغم شده، نصاب در صنف تکمیل نمی‌شود. او افزود که مکتب همه ولسوالی‌های ولایت بلخ با چنین سرنوشتی روبه‌رو شده است.

قبل از سقوط حکومت پیشین، در ولایت بلخ بیش از ۶۰۰ هزار دانش‌آموز پسر و دختر سرگرم آموزش بودند که از آن میان، بیش از ۴۵ درصد را دختران تشکیل می‌دادند. با این حال، پس از روی کار آمدن طالبان، حدود نصف دانش‌آموزان از آموزش بازمانده‌اند. اکنون در حالی که این نیمی از پیکره معارف از آموزش محروم شده‌اند، کاهش چشم‌گیری در میزان دانش‌آموزان مکتب پسرانه نیز دیده می‌شود. در جریان دو سال گذشته، افزایش نرخ بیکاری، فرار و کوچ‌های اجباری، محدودیت‌های روزافزون طالبان در معارف و تغییر در نصاب تعلیمی سبب شده است که شمار دانش‌آموزان در ولایت بلخ

سردرگمی سیاستمداران ایرانی در مواجهه با طالبان

محمدعلی نظری



**مواضع مقام‌های ایران در
مواجهه با طالبان یک‌دست
نیست. گاهی مقام‌های
جمهوری اسلامی ایران، طالبان
را «جنبش اصیل منطقه»
می‌خوانند و از مقام‌ها و
جنگ‌جویان این گروه میزبانی و
حمایت مالی-تسلیحاتی می‌کنند
و گاه خاکبادی در رسانه‌ها راه
می‌اندازند و گویا برای این
گروه در مورد منافع ایران
خط‌نشان می‌کشند. زمانی از
لزوم تعامل با طالبان می‌گویند
و در زمان دیگر نسبت به رشد
تروریسم و مواد مخدر در
افغانستان زیر کنترل طالبان
هشدار می‌دهند.**

استراتژیک آن کشور در خاور میانه روابطش حسنه نبوده است. با اسرائیل دشمنی آشکار دارد و با کشورهای مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی هم ناسازگاری‌های کمی ندارد، هرچند اخیرا پادرمیانی چین روابط دیپلماتیک با عربستان را پس از هفت سال انقطاع از سر گرفته است. دشمنی ایران با امریکا، این کشور را به سمت مخالفان ایالات متحده کشانده است. ایران دوستان زیادی در جهان ندارد و در ساحت بین‌الملل تا حد زیادی منزوی است. چند کشور متحد و دوست ایران، مخالفان امریکانند. شاید مهم‌ترین دلیل این اتحاد و دوستی، همان دشمنی مشترک با امریکا باشد. برخی دیگر از دوستان ایران را گروه‌های نیابتی این کشور در خاور میانه و چند گروه تروریستی نظیر القاعده و طالبان تشکیل می‌دهند. پناه دادن ایران به رهبران و اعضای طالبان و القاعده، در همین راستا معنا می‌شود. اخیرا گزارش شده که سیف‌العدل، رهبر جدید القاعده، از ایران به افغانستان سفر کرده است. چاشنی اصلی دوستی جمهوری اسلامی ایران با گروه‌های تروریستی مانند القاعده و طالبان، همان دشمن مشترک آن‌هاست. به همین دلیل، وقتی طالبان با افغانستان تحت حمایت جامعه جهانی می‌جنگیدند، ایران به این گروه پناه‌گاه، کمپ آموزشی، پول و اسلحه می‌داد تا به دولت تحت حمایت امریکا در کابل ضربه بزند و بر نیروهای امریکایی هم حمله کند.

در چند سال اخیر مواجهه امریکا با طالبان دیگر خصمانه نیست. بر کسی پوشیده نیست که بدون اجازه امریکا، دفتر سیاسی طالبان در قطر گشوده نمی‌شد و در غیبت زمینه‌سازی‌های ایالات متحده، این گروه بر افغانستان سلطه نمی‌یافت. حالا هم که قریب دو سال از سلطه این گروه می‌گذرد، هفته‌ای چهل میلیون دالر به رژیم طالبان تزریق می‌شود تا این گروه بتواند سلطه خود بر افغانستان را حفظ کند. بخش بزرگی از این پول، توسط مالیات‌دهنده‌گان امریکا تامین و توسط دولت آن کشور به افغانستان زیر کنترل طالبان واریز می‌شود. این تغییر موضع طالبان از دشمنی با امریکا به سمت دوستی با آن کشور، ایران را سردرگم کرده است. ایران در اوایل سلطه مجدد طالبان، برای سفیدنمایی از این گروه تلاش کرد. حتا در میانه موجی گسترده از اعتراض‌های شهروندان و سیاستمداران افغانستان، سفارت کشور در تهران را به گروه طالبان تحویل داد. این امر، برای نشان دادن حسن نیت تهران نسبت به طالبان انجام شد. این حسن نیت، برای این ابراز شد که بتواند از افتادن طالبان به کمپ امریکا جلوگیری کند، اما بسته‌های دالر ایالات متحده بسیار قدرت‌مندتر از چیزی است که بشود با سپردن سفارت به این گروه،

با آن مقابله کرد.

ایران توان پرداخت کمک‌های مالی به طالبان را ندارد. اگر بتواند کمکی هم بکند، جای‌گزین قابل اعتمادی نیست. گروه طالبان می‌داند که بدون واریز شدن هفته‌وار بسته‌های ده‌ها میلیون دالری، بقای رژیمش به خطر می‌افتد. همین حالا که این گروه لاف کنترل قیمت ارز را می‌زند، به دلیل این است که امریکا دالر تزریق می‌کند. حتا گمانه‌هایی وجود دارد که بودجه ارتش، پولیس و استخبارات طالبان نیز از بیرون مرزها تامین می‌شود که ایران قطعا در تامین آن دخالتی ندارد. بودجه وزارت‌های معارف و صحت عامه این گروه را هم سازمان ملل می‌پردازد. اگر این پول‌ها دیگر داشت. بنابراین، ایران که خود دچار بحران اقتصادی است، گزینه مناسبی برای جای‌گزینی با امریکای سخاوتمند نیست.

حالا ایرانی‌ها که نمی‌توانند بدیل خوب امریکایی‌ها برای دوستی با طالبان باشند، در اتخاذ مواضع دچار سردرگمی شده‌اند. آن‌ها مطاعی به گران‌بهای بسته‌های دالر امریکا ندارند تا از نفوذ واشنگتن بر قندهار جلوگیری کنند یا حداقل طالبان را به حفظ موازنه ترغیب نمایند. برای همین، گاهی مواضع این کشور در قبال طالبان، با هم تعارض پیدا می‌کند. به نظر نمی‌رسد این مواضع متعارض به دلیل پیچیده بازی کردن ایران باشد، بلکه نشان از سردرگمی این کشور دارد.

محمدرضا بهرامی، سفیر پیشین ایران در کابل، در عقرب سال گذشته مقاله‌ای در مورد آینده افغانستان نوشت. او در مقاله‌اش وقتی دلیلی برای فروپاشی نظام جمهوری در افغانستان آورد، گفت که «در کنار بومی نشدن امنیت در افغانستان، از دیگر دلایل این موضوع، امریکایی‌زدایی از عنصر امنیت در منطقه، به‌عنوان فصل مشترک غیرهمهانگ کشورهای موثر بود». آن زمان که ۱۵ ماه از تسلط طالبان می‌گذشت، بهرامی هنوز باور داشت که امریکایی‌زدایی از عنصر امنیت، فصل مشترک اما غیرهمهانگ ولایت فقیه و امارت طالبانی است. سه روز پیش اما مقاله‌ای دیگر در همان ویب‌سایت (خبر آنلاین) نشر کرده است. این بار در پاراگراف دوم مقاله‌اش، تسلط طالبان را «بازگشت قدرت اعمال حاکمیت به مردم» افغانستان خوانده، اما چند پاراگراف بعد گفته است که خروج امریکا و تسلط طالبان، هزینه مبارزه با گروه‌های تروریستی غیرافغان را بر دوش منطقه گذاشته است. او گفته است: «نتیجه اولیه سیاست مذکور، با توجه به نوع تعهدات پذیرفته‌شده طالبان در قبال گروه‌های افراطی غیرافغان مستقر در خاک این کشور و ماهیت مناسبات میان این دو، موجب شد تا بحران افغانستان متعاقب تسلط طالبان تنها تغییر شکل داده و منابع تهدید در این مرحله متوجه منطقه شده و طبیعتا هزینه مهار و مقابله با این گروه‌ها را مستقیما منطقه پرداخت کند.» او در نهایت معتقد است که سیاست تثبیت افراط‌گرایی در هر جغرافیایی، «به معنای حفظ و هدایت بحران برای آینده و طبیعتا برای همه طرف‌ها خواهد بود.» این در حالی است که مردم و تحلیل‌گران افغانستان بارها از سیاست سفیدنمایی طالبان به هدف تثبیت افراط‌گرایی در کشور توسط همسایه‌ها، از جمله ایران، انتقاد کرده و به آن‌ها نسبت به پیامدهای تعامل و همکاری با افراط‌گرایان هشدار داده‌اند. بهرامی که

در قسمتی از مقاله‌اش سلطه طالبان بر افغانستان را بازگشت قدرت اعمال حاکمیت به مردم دانسته، در قسمتی دیگر از این مقاله تسلط این گروه و در پی آن منطقه‌ای شدن بحران را نتیجه سیاست خروج امریکا از افغانستان دانسته است. از آن جایی که سلطه افراطیت و تروریسم با بازگشت قدرت اعمال حاکمیت به مردم میانه‌ای ندارد، به‌خصوص که آن گروه افراطی خود را نماینده خدا بداند و حق مشارکت سیاسی مردم را به رسمیت نشناسد، می‌توان این نتیجه را گرفت که سیاستمداران ایرانی همانند بهرامی دچار سردرگمی در مواجهه با طالبان شده‌اند. بخشی از علل آن، غیرقابل پیش‌بینی بودن طالبان است. این گروه به‌ساده‌گی می‌تواند از دشمنی با کشوری یا گروهی دست بردارد و به دوست آن تبدیل شود و همین‌گونه برعکس آن هم ممکن است.

از سویی، مدیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران، ادعای طالبان در مورد کاهش تولید مواد مخدر در افغانستان را خلاف واقع خوانده و گفته است که تولید «نیشه» در این کشور افزایش یافته است.

در این که افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر است، تردیدی وجود ندارد، اما همه افغان‌ها تولیدکننده این مواد نیستند. همه تولیدکننده‌گان مواد مخدر را اگر از دهقان تا کارخانه‌دار به حساب آوریم، شاید چیزی کمتر از ۱۰ درصد نفوس افغانستان هم نشود، در حالی که باقی مردم با آن مخالفت‌اند و سال‌ها علیه آن مبارزه کرده‌اند. بنابراین، مردم افغانستان نه همه تولیدکننده مواد مخدرند و نه همه طالب که با تسلط آن گروه، قدرت اعمال حاکمیت به مردم بازگشته باشد. از نظر مردم افغانستان، طالبان یک گروه مزدور است که حتا برخی آن را گروه واگنر امریکا در افغانستان می‌خوانند. سلطه یک گروه مزدور با حمایت منطقه و کشورهای جهانی بر کشوری چندده‌میلیونی، بازگشت قدرت اعمال حاکمیت به مردم نیست. ایران این را خوب می‌داند که اگر حمایت‌های تهران و اسلام‌آباد و مسکو و بیجینگ و دوحه و در نهایت واشنگتن نمی‌بود، طالبان یک ساعت هم بر کابل و دیگر بزرگ‌شهرهای افغانستان حاکمیت نمی‌یافتند. حتا اگر حمایت کشورهای مانند ایران و پاکستان و روسیه نمی‌بود، طالبان توان سلطه بر یک ولسوالی را هم نداشتند. آن‌ها یک مشت تروریستان فراری بودند که توسط کشورهای همسایه پناه داده شدند و مورد حمایت آن‌ها قرار گرفتند. حاکمیت در چنین وضعی، به مردم بر نمی‌گردد. اگر حاکمیت از آن مردم باشد، آن زمان دانشگاه‌ها، مکاتب و سایر مراکز آموزشی به روی زن و مرد افغانستان در سراسر کشور باز خواهد شد، دموکراسی و ارزش‌هایی مانند آزادی بیان و آزادی عقیده مورد احترام و پذیرش قرار خواهد گرفت و جامعه از ترور و مواد مخدر رهایی خواهد یافت. همان‌طور که سیدرسول موسوی، دست‌یار وزارت خارجه ایران، سه روز پیش نوشت: «من علاقه وافر دختران افغانستان به تحصیل را به چشم خود در گرمای شدید زیر چادرها و در زیرزمین‌های نمور پنهان از چشم اغیار دیده یا شنیده‌ام»، مردم افغانستان اگر روزی قدرت اعمال حاکمیت را بیابند، اولین اقدام‌شان بازگشایی مکاتب و دانشگاه‌ها خواهد بود، نه قفل انداختن به آن. آن‌که بر در دانشگاه و مکتب قفل می‌اندازد و اجازه نشر موسیقی را در بدل پول می‌دهد، نماینده مردم افغانستان نیست، نام آن «طالب» است.

تحصیل زیر حاکمیت طالبان؛

دانشجویان؛

«دانشگاه ارزش رفتن را ندارد»



پهنیا

همه چیز از پشت پنجره رویاهایش تغییر کرده است. امیدها رخت بسته‌اند، هدف‌ها نیست شده‌اند، انگیزه با یأس جا بدل کرده، خوشی‌ها پرواز کرده و غم گلیمش را پهن‌تر گسترانیده است. در میان انبوهی از ناامیدی، فرهاد پس از پنج سال تلاش خسته‌گی‌ناپذیر به روزهای پایانی دوره تحصیلی رسیده است؛ دوره‌ای که برای هر دانشجو سرنوشت‌ساز و در عین حال آغازی برای زنده‌گی دیگر، انگیزه دیگر و دورنمای دیگر است. اما او پس از حاکم شدن طالبان، دورنمایی که پیش از آن برای آینده‌اش چیده بود را از دست داده است. بستر افکارش متلاشی شده و از هم گسسته است. در هاله‌ای از ابهام گیر مانده و در فکر فرار از زادگاهش است. با گذشت نزدیک به دو سال از حاکمیت گروه طالبان، فرهاد شاهد هیچ تغییر مثبتی که به زنده‌گی او و جوانان دیگر نور امید بخشیده باشد، نبوده است. او در میان این ناملامت‌ها دست‌وپایش را گم کرده است و نمی‌داند چه سرنوشتی پس از فارغ‌التحصیلی انتظارش را می‌کشد. او همانند بسیاری از جوانان دانشجوی دیگر در باتلاقی که گروه طالبان حفر کرده، گیر مانده است و تنها راه خلاصی از آن را فرار از دیارش می‌داند.

فرهاد (نام مستعار) دانشجوی سال آخر یکی از دانشگاه‌های دولتی در ولایت بلخ است. او در رشته خبرنگاری درس می‌خواند. فرهاد همانند سایر دانشجویان، پس از امتحان عمومی کانکور موفق به راه‌یابی به این دانشگاه می‌شود. در طول دوره آماده‌گی کانکور برای کامیابی در رشته دلخواهش، شب از روز نشناخته و سخت تلاش می‌کند. او از جمله بازمانده‌گان حادثه تروریستی مرکز آموزشی موعود در سال ۱۳۹۷ خورشیدی است. در آن حادثه جانسوز، بسیاری از دوستانش را از دست داده است و از آن‌ها جز خاطره باهمی، چیزی در ذهنش باقی نیست. فرهاد پس از آن



فرهاد اکنون در سایه رژیم زنده‌گی می‌کند که در آن زور تفنگ حرف اول را می‌زند و هنوز هم سایه تفنگ طالبان بالای سر مردم حاکم است. او از زنده‌گی زیر چنین پرچمی که حاکمان آن را سال‌ها به‌حیث کابوس بد زنده‌گی‌اش تصور می‌کرد، به ستوه آمده است؛ زیرا او از ایام کودکی تا حال که بیست‌وسه سال خم‌وپنج زنده‌گی را سپری کرده است، با اسم این گروه آشنا بود و حال با مفکوره‌اش نیز آشنا شده است.

بسیار بزرگ برایم بود؛ چون در آن مسیر هر روز طالبان مردم بی‌گناه را به قتل می‌رساندند.» فرهاد با سپری کردن همه چالش‌های جانی و گاهی اجتماعی و اقتصادی، در مسیر رسیدن به هدف‌هایش همچنان استوارتر می‌درخشد. او قرار بود آینده‌اش را از آن‌جا بسازد و در مسیر روشن‌تر قدم بردارد، اما با تسلط کامل طالبان بر افغانستان همه آرزوها و رویاهایش به مشت‌های خاک تبدیل و نابود شده است. او گروه طالبان را مقصر اصلی حادثه مرکز آموزشی موعود می‌داند. در آن حادثه، تعداد زیادی از دانش‌آموزان کشته شدند. از نظر او، حادثه‌های دلخراش دیگر که با انتحار و انفجار خلق شدند و تعداد پرشمار افراد بی‌گناه را به کام مرگ کشاندند، نیز مسوولیتش به این گروه برمی‌گردد. اکنون که این گروه بالای مردم از جمله قربانیان چنین انفجارها و بازمانده‌گان آن‌ها حکمرانی می‌کند، این وضعیت او را بیشتر می‌رنجاند.

روزی که طالبان قرار بود سایه سهم‌ناکش را بر فراز آسمان دیارش بگستراند، او در کابل بود و از واهمه آمدن این گروه و شایعه‌های پخش‌شده مبنی بر قتل و کشتار، از بلخ به کابل نزد خانواده‌اش شتافته بود. سقوط پی هم ولایت‌ها و تسلیمی نظامیان حکومت پیشین، او را نگران کرده بود؛ اما با آن هم امید در وجودش زنده بود. به این فکر بود که حکومت در برابر پیش‌روی طالبان کاری خواهد کرد. سقوط کابل به دست این گروه، برایش غیر قابل باور و دور از تصور بود. اما طالبان به دروازه‌های کابل رسیده بودند و خبر فرار رییس جمهور از کشور، تن استوار او را لرزاند و امید زنده‌گی را نیز از او و همه مردم ستاند.

پس از آن روز، با سقوط نظام، دولت، اقتصاد و آزادی بیان به دست طالبان، نظام زنده‌گی او نیز سقوط کرد و از هم پاشید. فرهاد در تقلائی دست‌یابی به هدف، در پی کارهای خوب و مفید بود تا پس از فارغ‌التحصیلی مسیر روشنی را در پیش گیرد و برای خود و اجتماعش کاری انجام دهد. او از دوره دانشجویی همواره در پی فعالیت‌هایی بود که او را در مسیر رسیدن به هدف‌هایش کمک می‌کرد. او شالوده فکری‌اش را بر بستر دموکراسی، آزادی بیان، حقوق بشر و کار کردن روی این مسایل تنظیم کرده بود. اما با فروپاشی دولت و نابودی همه این ارزش‌ها

به دست طالبان، اهداف و آرزوهای او نیز از هم پاشید و بنیادی‌ترین تغییر را از لحاظ فکری متقبل شد. فرهاد می‌گوید: «بزرگ‌ترین تحولی که پس از [تسلط مجدد] طالبان حس کردم، تحول فکری بود. بستر فکری را که تمام آرزوها، باورها و آرمان‌های خود را رویش بنا کرده بودم، از دست دادم. من روی دموکراسی، آزادی بیان و حقوق بشر حساب می‌کردم و در تلاش این بودم که باورهای خود را با همین مولفه‌های فکری مهیا بسازم، اما همه تلاش‌هایم با از بین رفتن این ارزش‌ها به دست طالبان، نابود شده است. حالا مجبورم طوری که این گروه می‌خواهد، زنده‌گی کنم و همان‌طور ببندیشم.» فرهاد همانند بسیاری از کسانی که قرار را بر فرار ترجیح داده‌اند و زیر پرچم طالبان زنده‌گی می‌کنند، مجبور است برای بقایش مانند این گروه فکر کند و سر اطاعت به خواسته‌های آنان خم کند.

فرهاد دو سال باقی‌مانده دوره دانشجویی‌اش را با تحمل محدودیت‌های طالبانی و نبود استادان مسلکی در دانشگاه و از سوئی، فرار نخبه‌های روزگارش که روزی آنان را الگوی خود می‌دانست، به سر رسانده است. در این مدت بیشتر افکار طالبانی را خوانده است. با سپری شدن دو سال از حاکمیت طالبان، او شاهد هیچ نوع تغییر مثبتی که مسیر زنده‌گی او را به سوی آبادانی سوق دهد، نبوده است. او هدف زنده‌گی‌اش را از دست داده و از این‌که مجبور است وانمود کند شبیه طالبان می‌اندیشد یا حداقل با آن مخالف نیست، خسته شده است.

در این مدت او تنها برای این‌که بتواند مدرک تحصیلی‌اش را از دانشگاه اخذ کند و سال‌هایی را که برای درس خواندن به دور از خانواده با مشقت جانی و مالی سپری کرده بود، هدر نرود، قرار را بر فرار ترجیح داده است. اما او نیز همانند بسیاری از دانشجویان دختر و پسر، هیچ آمیدی به ماندن در زیر حاکمیت طالبان در افغانستان ندارد. فرهاد می‌گوید: «درست است که درب دانشگاه‌ها به روی پسران باز است، اما حالا دانشگاه ارزش رفتن را ندارد. تمام کادرهای علمی از دانشگاه‌ها فرار کرده‌اند، به جایش کسانی آمده‌اند که هیچ تجربه تدریس و توانایی علمی ندارند. این موضوع باعث بی‌انگیزه‌گی تمام دانشجویان شده است و ما تنها برای پُر کردن خانه حاضری و [به دست آوردن] مدرک تحصیلی خود به دانشگاه می‌رویم.»

فرهاد اکنون در سایه رژیم زنده‌گی می‌کند که در آن زور تفنگ حرف اول را می‌زند و هنوز هم سایه تفنگ طالبان بالای سر مردم حاکم است. او از زنده‌گی زیر چنین پرچمی که حاکمان آن را سال‌ها به‌حیث کابوس بد زنده‌گی‌اش تصور می‌کرد، به ستوه آمده است؛ زیرا او از ایام کودکی تا حال که بیست‌وسه سال خم‌وپنج زنده‌گی را سپری کرده است، با اسم این گروه آشنا بود و حال با مفکوره‌اش نیز آشنا شده است.

زمانی که کودک بود، با شنیدن اسم این گروه، تصور می‌کرد که گروه طالبان همان آدم‌های بد کتاب‌های داستان و فلم‌هایند که او هرگز گاهی آنان را می‌خواند و یا هم به تماشا می‌نشست. زمانی که بزرگ‌تر شد، با آدم‌کشی، انتحار و انفجارهای این گروه در شهر و بازار روبه‌رو شد. به چشم خود دید که چگونه آدم‌های زیادی را می‌کشند و یا هم نیمه‌جان می‌کنند. او خود نیز از جمله کسانی است که بارها هدف حملات این گروه قرار گرفته، اما جان سالم به در برده است. اکنون که بزرگ شده و نزدیک به دو سال زیر پرچم این گروه زنده‌گی کرده است، با مفکوره طالبانی و آدم‌های بد داستان زنده‌گی‌اش بیشتر آشنا شده است. او پس از کامل کردن دوره دانشجویی، در تقلائی فرار از زیر پرچم طالبان است.

زنده‌گی تناقض آمیزیک تبلیغ گردینی

عمرو خالد یکی از مبلغان دینی پرآوازه مصری است. او تا حدود ده سال قبل، در محبوبیت رقیبی نداشت و مردم برای حضور در مجالسش سرودست می‌شکستند. در آن دوره، وقتی قرار می‌بود او در مسجدی سخنرانی کند، مردمان زیادی از سراسر قاهره به سراغش می‌رفتند و روزهای جمعه تکسی‌های شهری در مناطقی از پایتخت مصر، «عمرو خالد، عمرو خالد» صدا می‌کردند. در پهلوی ملایم و مخملین بودن شیوه حرف زدنش، چهره و لباس متفاوت و مدرنش نیز احتمالاً به جذابیتش افزوده بود.



مهران موحد

در جامعه افغانستان نیز شمار این گونه آدم‌ها کم نیست. شخصی را در این جامعه می‌شناسم که گران‌قیمت‌ترین و رویایی‌ترین زنده‌گی را دارد، اما وقتی لب به سخن می‌گشاید بی‌محابا بر نظام سرمایه‌داری حمله می‌کند و از عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت به‌عنوان ارزش‌های خدشه‌ناپذیر در زنده‌گی‌اش یاد می‌کند. آن دیگری صاحب ثروت بادآورده افسانه‌ای است و آشکار است که این ثروت را از راه‌های غلط به‌دست آورده، اما در عین حال، سرگرم ارشاد خلاق هم هست و تلاش می‌ورزد آموزه‌های صوفیانه و زاهدانه را در جامعه گسترش دهد و در مقام شرح و تفسیر مثنوی معنوی، در فضیلت فقر داد سخن بدهد.

مشکل اصلی ناشی از این است که شهروندان جامعه‌های ما، استعداد زیاد در فریب خوردن دارند. زودباوری، بی‌سوادی و عدم درک ژرف مسایل، موجب شده تا آنانی که در عوام‌فریبی استادی و مهارت دارند، به‌آسانی از ما در راستای اهداف شخصی خود بهره ببرند و بر ما بخندند. اتفاقاً همین افرادی که با تناقض‌های بیش‌تر زنده‌گی می‌کنند در برقراری ارتباط با مردم و جذب دل‌ها، موفق‌تر عمل می‌کنند. بسیاری از مردم عادی این قبیل اشخاص را دوست می‌دارند و به آن‌ها احترام قایلند. ما در زمانه‌ای زیست می‌کنیم که درست و غلط به هم آمیخته و تمیز آن دو از یکدیگر دشوار شده است.

از سوی دیگر، یکی از چالش‌های کلان فراراه انسان معاصر، اصیل و صادقانه زنده‌گی کردن است. دلیلش هم این است که ما در دنیایی زنده‌گی می‌کنیم که تبلیغات و تظاهر شخصیت‌های پوقانه‌ای از همه سو ما را احاطه کرده است و از این‌رو، اکثریت آدم‌ها می‌خواهند ریاکارانه زنده‌گی کنند و خود را خلاف آنچه در واقعیت هستند بنمایانند. قطعاً کسی که بخواهد خلاف جریان آب شنا کند و برعکس بسیاری از افراد، ظاهر و باطنش را یکی کند، راه دشواری را برای پیمودن برگزیده است.

تحصیل کرده‌ها کار مناسب نمی‌توانند دست‌وپا کنند و در تامین حداقل‌های زنده‌گی با مشکل مواجه‌اند، این تبلیغ‌گران دینی با چه هنری قادر شده‌اند پول وافی و کافی برای هزینه کردن سخاوت‌مندانه بیابند؟

عمرو خالد نمونه شاخص افرادی در جوامع ماست که دچار زنده‌گی تناقض آمیزند؛ حرف‌های قشنگ می‌زنند، اما در میدان عمل کمیت‌شان می‌لنگد. این قبیل اشخاص را می‌توان در هر طیف و گروه پیدا کرد. آن‌ها ارزش‌هایی را تبلیغ می‌کنند که خود به آن چندان پایبندی ندارند. ژان ژاک روسو، نویسنده و فیلسوف فرانسه‌ای، در خصوص تربیت فرزندان نوشته‌های قشنگی از خود به یادگار گذاشته است. «امیل» یکی از کتاب‌های اوست که درباره تربیت فرزند نگاشته و هنوز که هنوز است خواننده دارد و دلربایی‌اش را از دست نداده است. با این‌همه، او هرگز حتا یک حرف از آنچه را نوشت در زنده‌گی واقعی‌اش تطبیق نکرد. گویا او می‌خواست دیگران را به رعایت ارزش‌هایی تشویق کند که خودش به آن‌ها اعتقاد نداشت. روسو در اهمیت تربیت فرزند و ارزش کانون خانواده در کتاب‌هایش داد سخن داد؛ اما خودش در زنده‌گی واقعی پسرانش را رها کرد و خانواده‌اش را به باد نیستی سپرد.

باری یک نویسنده سوری نوشت که محمود درویش، شاعر بزرگ فلسطینی، کتاب‌ها نوشت و اشعاری در مورد ایستاده‌گی و آزادسازی فلسطین سرود و از این طریق میلیون‌ها دالر گرد آورد. او یک خانه در امریکا خرید و دیگری در بریتانیا، و شاید قسمتی از آن را در پای دوست‌دختر اسرائیلی‌اش ریخت؛ شاهانه زیست و ماهی‌خواری تناول کرد و در خانه‌های ساحلی گران‌قیمت به تفریح پرداخت. به‌قول این نویسنده، محمود درویش در واقع امر شعراهایی را به مردم می‌فروخت و از این راه پول به‌دست می‌آورد و اصلاً زنده‌گی‌اش هیچ نسبتی با دشواری‌ها و خطرهایی که مردم فلسطین با آن مواجه بودند، نداشت.

با ارزش‌هایی دانستند که وی مردم را به آن‌ها فرا می‌خواند.

شماری از تبصره‌کنندگان از این دیدگاه عمرو خالد را مورد نقد قرار دادند که او در سخنرانی‌هایش از بخاری و ترمذی و ابن تیمیه سخن می‌زند و مخاطبان را با این حرف‌ها سرگرم می‌کند، اما به پرسش پول و امکانات فراهم می‌کند تا برای درس خواندن به لندن برود و علوم روز را بیاموزد. تبصره‌کننده دیگری نوشته بود که اینان پسران‌شان را به لندن برای تحصیل می‌فرستند و به این کار فخر هم می‌کنند، اما فرزندان مردم را از راه به‌در می‌کنند و به لیبیا می‌فرستند تا بجنگند و کشته شوند. بیش‌تر انتقادهای منتقدان بر محور این نکته می‌چرخید که این قبیل اشخاص دیگران را به کارهایی دعوت می‌کنند که خودشان حاضر نیستند آن کارها را انجام دهند. مثلاً همین عمرو خالد از مردم خواست به لیبیا و سوریه بروند و «جهاد» کنند، ولی این فضیلت و ثواب را از پسرش دریغ می‌کند و به‌جای فرستادن او به کشورهای یادشده، وی را به غرب می‌فرستد تا چیزهای مفید یاد بگیرد. این کار را چیزی جز کلاه گذاشتن بر سر مردم چه می‌توان نامید؟

البته شماری از منتقدان، این موضوع را پیش کشیدند که این دعوتگر دینی این‌همه پول و امکانات را چه‌گونه به‌دست آورده تا بتواند برای تحصیل پسرش در دانشگاهی در لندن هزینه کند؟ به‌راستی به این موضوع از این زاویه نگاه کردن نیز عبرت‌آموز است. طبق معمول، بخش بزرگی از آموزه‌های مبلغان دینی بر پارسایی، دوری از مواهب دنیایی و عدم دلبسته‌گی به تعلقات زودگذر این جهانی تمرکز دارد. با این‌همه، چرا این مبلغان خودشان به فقر و تنگ‌دستی و بی‌پولی رغبتی نشان نمی‌دهند و زنده‌گی در رفاه و آسایش را ترجیح می‌دهند؟ همچنین این پرسش هم باید پاسخ داده شود، در شرایطی که بسیاری از مردم در مصر از فقر و فاقه رنج می‌برند و هزینه‌های کمرشکن زنده‌گی بسیاری از شهروندان را به ستوه آورده و حتا

عمرو خالد یکی از مبلغان دینی پرآوازه مصری است. او تا حدود ده سال قبل، در محبوبیت رقیبی نداشت و مردم برای حضور در مجالسش سرودست می‌شکستند. در آن دوره، وقتی قرار می‌بود او در مسجدی سخنرانی کند، مردمان زیادی از سراسر قاهره به سراغش می‌رفتند و روزهای جمعه تکسی‌های شهری در مناطقی از پایتخت مصر، «عمرو خالد، عمرو خالد» صدا می‌کردند. در پهلوی ملایم و مخملین بودن شیوه حرف زدنش، چهره و لباس متفاوت و مدرنش نیز احتمالاً به جذابیتش افزوده بود. به موازات تحولاتی که در اثر «بهار عربی» در مصر و سراسر کشورهای عربی به‌وجود آمد و در فرجام به ناکامی شورش‌های مردمی علیه دیکتاتورها انجامید، ستاره بخت و طالع عمرو خالد نیز رو به افول نهاد و تعداد مخاطبان‌ش رو به کاستی گرفت. اینک کمتر کسی با اشتیاق پای جلسات درسی او می‌نشیند و برنامه‌های تلویزیونی‌اش نیز از رمق افتاده است. فعلاً به عواملی که منتهی به ریزش شدید طرفداران تبلیغ‌گر دینی موصوف شد کاری نداریم، بلکه به ویدیویی می‌پردازیم که به‌تازگی از او به نشر رسیده و واکنش‌های گوناگون را برانگیخته است.

چند روز پیش، ویدیویی از عمرو خالد در فضای مجازی انتشار یافت که وی را در محفل جشن فراغت پسرش در یکی از دانشگاه‌های لندن در بریتانیا نشان می‌داد. او با انتشار عکسی که وی را در کنار همسر و پسرش در جشن فراغت نشان می‌داد، نوشت: «از زیباترین و تاثیرگذارترین لحظات زنده‌گی؛ فارغ‌التحصیلی پسر، علی، از دانشگاه». ویدیویی که عمرو خالد به این مناسبت نشر کرد، میلیون‌ها بازدیدکننده داشت و دست‌کم برای یکی دو روز، نام وی را بار دیگر بر سر زبان‌ها انداخت. بسیاری از مردم به او از این بابت تبریک گفته بودند. با این حال، شماری از مخاطبان، تبصره‌های انتقادی نوشتند و این را که خالد پسرش را برای تحصیل به غرب فرستاده، رفتار متناقض شمردند و منافی

نگرانی از آینده...

وضعیت تحصیلی مهاجران افغان در ایران

امینی



با این حال، یک عضو نظارت تعلیمی معارف و لیسوالی شولگره نیز از کاهش دانش آموزان در مکاتب این ولسوالی خبر می‌دهد و تاکید دارد که از هر صنف حدود نصف دانش آموزان کم و در ساحات دوردست سه صنف به یک صنف مبدل شده است. به باور وی، علت کاهش دانش آموزان در مکاتب، دل سردی مردم از معارف، افزایش مضمون‌های دینی و یاد نگرفتن شاگردان است.

محمدنبی همایون‌زاده (نام مستعار)، از مسوولان پیشین ریاست معارف بلخ، نیز عامل کاهش دانش آموزان در مکاتب بلخ را در کنار فقر، ترس خانواده‌ها از آموزش درس‌های انتحاری در مکاتب می‌داند. به گفته همایون‌زاده، او شمار زیادی از خانواده‌ها را می‌شناسد که فرزندان خود را به مکتب نمی‌فرستند. او افزود: «دهه دانش‌آموز را به سراغ دارم که درس و تعلیم را ترک کرده و به ایران و ترکیه رفته‌اند. اگر جهان توجه نکند و طالبان تغییر نکنند، پس از یک سال دیگر تمام مکاتب افغانستان به مدارس دینی مبدل خواهد شد و همه شاگردان انتحاری به بار خواهند آمد.»

محمدنور نوری (نام مستعار)، عضو امریت معارف شهر ریاست معارف بلخ، نیز کاهش تعداد دانش آموزان در صنف‌ها را تایید می‌کند. او می‌گوید که علاقه مردم به مکتب کم شده و همچنان قیود روزافزون امر به معروف و نهی از منکر شاگردان و حتی آموزگاران را خسته کرده است. وی می‌گوید: «هر هفته مأمورین امر به معروف در صنف‌ها تبلیغ می‌کنند و دستورهای جدید می‌دهند. فشار امر به معروف به اندازه‌ای زیاد است که خود طالبان را در ریاست معارف شهر هم خسته ساخته است. آن‌ها به‌گونه پنهانی شکایت دارند، اما به‌گونه آشکار گفته نمی‌توانند.»

از سوی هم، رجب ابراهیمی، از فعالان مدنی کشور، باور دارد که تعداد زیادی از مردم در حکومت پیشین در بدنه اردو، پولیس و امنیت ملی بودند و پس از سقوط حکومت، همه این شهروندان بیکار شده و از بیم طالبان با خانواده‌هایشان به کشورهای همسایه پناه برده‌اند. این فعال مدنی می‌گوید که بیشتر موسسات و انجوها فعالیت داشتند که دهها تن از شهروندان شامل کار بودند و اکنون همه از کشور خارج شده‌اند. او می‌افزاید: «اکثریت مردم کار خود را از دست دادند و با افزایش فقر در کشور، مجبور شدند تا فرزندان خود را به مکتب اجازه ندهند و برای پیدا کردن یک لقمه نان، به کارهای شاق بگمارند. از سوی هم در ساحات شیعه‌نشین ولایت بلخ طالبان آموزش فقه جعفری را ممنوع کرده‌اند. مردم دل‌سرد شده‌اند و به فرزندان‌شان اجازه رفتن به مکتب را نمی‌دهند.»

تعداد دانش آموزان بلخی در حالی کاهش می‌یابد که بیشتر، کتاب‌های جدید چاپ طالبان نیز منتشر شده و نگرانی‌هایی را به همراه داشته است. این کتاب‌ها در بخش سوادآموزی نوین در چوکات معارف مطابق نصاب تعلیمی طالبان چاپ شده و محتویات آن شامل جهاد، اسلحه و معرفی سران این گروه است. بیشتر شهروندان باور دارند که چنین کتاب‌ها و سایر تلاش‌های محدودکننده طالبان زمینه آموزش‌های تندروانه را در کشور فراهم می‌کند.

مهاجران افغان در ایران می‌توانند از فرصت‌های تحصیلی مستفید شوند و موانع خاصی در زمینه وجود ندارد. دانشجویان افغان‌ها در ایران فرایند دست‌وپاگیری ندارد و آنان با زمان و زحمت اندک می‌توانند به دانشگاه‌های دولتی و خصوصی راه پیدا کنند. برای دانشجویان در ایران، داشتن دو نوع سند الزامی است: پاسپورت با اعتبار و مدرک فراغت از دانشگاه. همین‌طور کسانی که اگر بخواهند در مقطع کارشناسی (لیسانس) درس بخوانند، بایستی سند فراغت از مکتب را در اختیار داشته باشند. در گذشته، مدرک فراغت از دانشگاه اگر مهر سنگی وزارت خارجه افغانستان را نمی‌داشت، برای دانشگاه‌های ایران قابل اعتبار نبود. حالا، پس از بازگشت طالبان به قدرت این محدودیت برداشته شده و به مدرک دانشگاهی که مهر وزارت خارجه افغانستان را نداشته باشد هم اعتبار داده می‌شود. ضمن آن که رفع این محدودیت برای دانشجویان سهولت فراهم کرده است، می‌تواند نشانگر این باشد که رژیم طالبان برای هیچ یک از کشورها حتا در زمینه‌های کوچک مشروعیت ندارد.

دانشجو شدن افغان‌ها در ایران مزیت‌های ذیل را دارد: - به دانشجو تا زمان ختم تحصیل اقامت قانونی داده می‌شود: به دانشجویان مقطع دکترا حداکثر پنج سال، به دانشجویان کارشناسی ارشد (ماستری) حداکثر سه سال و به دانشجویان کارشناسی (لیسانس) حداکثر پنج سال. این در حالی است که دوره تحصیلی در مقطع دکترا چهار سال، در مقطع کارشناسی ارشد دو سال و در مقطع کارشناسی چهار سال می‌باشد.

- نه تنها به شخص دانشجو، که اگر دانشجو متاهل باشد، به اعضای خانواده‌اش نیز اقامت داده می‌شود. مدرک اقامت دانشجو با مدرک اقامت اعضای خانواده‌اش از حیث مدت و اعتبار یکسان است و تفاوتی ندارد. - دانشجو در بدل دریافت مدرک اقامت خود و اعضای خانواده‌اش هزینه جداگانه پرداخت نمی‌کند، بل برخورداری از مدرک اقامت نتیجه طبیعی دانشجو شدن است. دانشجو فقط به‌خاطر درسی که در دانشگاه می‌خواند، هزینه پرداخت می‌کند.

- جدا از مدرک اقامت، به دانشجو کارت دانشجویی داده می‌شود که می‌تواند به‌حیث مدرک شناسایی مورد استفاده قرار گیرد که البته اعتبار خوبی نزد پولیس دارد. ولی اعتبار مدرک اقامت فراتر از کارت دانشجویی است که با استفاده از آن، دانشجویان افغان می‌توانند از خدمات بانکی و مخابراتی، و زمینه‌های شغلی بهتر مستفید شوند. برای نمونه، با برخورداری از مدرک اقامت می‌توان جواز رانندگی دریافت کرد که به‌آسانی دست‌یافتنی نیست.

- برای اسکان دانشجو خوابگاه در نظر گرفته شده است. البته هزینه اسکان در خوابگاه جدا از هزینه‌ای است که به دانشگاه پرداخت می‌شود.

هزینه خوابگاه پایین است و برای دانشجو سنگین تمام نمی‌شود. همچنان هزینه غذای خوابگاه جدا از هزینه اسکان در خوابگاه است. - به دانشجویانی که صاحب خانواده هستند، خوابگاه متاهلی در نظر گرفته شده است. دانشجو در بدل اسکان خود و اعضای خانواده‌اش هزینه جداگانه پرداخت می‌کند.

از افغان‌هایی که در ایران دانشجو می‌شوند، هنگام نام‌نویسی در دانشگاه مصاحبه گرفته می‌شود. البته کسانی که در مقطع کارشناسی درس می‌خوانند، مستثنا هستند جز در رشته‌های فنی - تخصصی. اما از کسانی که در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا درس می‌خوانند، مصاحبه گرفته می‌شود. در صورتی که نتیجه مصاحبه رضایت‌بخش باشد، پذیرفته می‌شوند، در غیر آن نه.

عاملی که سبب شده تا دانشگاه‌ها با دانشجویان افغان ارفاق نسبی کنند، وضع نامطلوب حاکم بر افغانستان است. مسوولان دانشگاه‌ها می‌کوشند با توجه به وضعیت حاکم بر افغانستان، قیود فراوانی در مسیر ورود مهاجران افغان به دانشگاه‌ها وضع نکنند. پس از آن که طالبان دختران را از رفتن به دانشگاه‌ها منع کردند، مسوولان دانشگاه تهران با برگزاری محفلی که دانشجویان افغان در آن اشتراک داشتند، با دختران بازمانده از تحصیل به‌نحوی همدردی نشان داده و تصمیم طالبان را نادرست خواندند. در ضمن، اعلام کردند که دانشگاه تهران دختران بازمانده از تحصیل را با تخفیف ۲۰ درصدی هزینه برای ادامه تحصیل می‌پذیرد.

چالش عظیم فراراه دانشجویان افغان، شهریه

سنگینی است که به دانشگاه می‌پردازند. دولت ایران تحت تحریم کشورهای غربی قرار دارد. وضع اقتصادی در ایران نامناسب است و سطح تورم اوج گرفته است. این وضعیت روی میزان شهریه دانشگاه سایه انداخته است. همه‌ساله به میزان شهریه دانشگاه‌ها افزوده می‌شود و تداوم این روند، ممکن است ورود افغان‌ها به دانشگاه را در آینده دشوارتر سازد.

نکته درخور توجه این است که رقم دانشجویان افغان در دانشگاه‌های ایران افزایش چشم‌گیری پیدا کرده است. در جنوری سال جاری اعلام شد که تنها در دانشگاه تهران ۴۷۰ دانشجوی افغان درس می‌خوانند که ۱۴۰ تن آنان دخترند. در بقیه دانشگاه‌های ایران نیز رقم دانشجویان افغان بلند است. مهم‌ترین عامل آن، برگشت طالبان به قدرت است، ورنه به‌ندرت کسانی غرض تحصیل به ایران می‌آمدند. می‌توان گفت که دانشجو شدن در ایران برای افغان‌ها یک انتخاب دل‌خواه نیست، بل از روی ناگزیری است. بیش‌ترین رقم دانشجویان را مأموران دولت پیشین تشکیل می‌دهد. همین‌طور کسان دیگری که با طالبان میانه خوبی ندارند و ماندن در افغانستان را به‌صلاح نمی‌دیدند، به ایران آمده و وارد دانشگاه شده‌اند. گفته می‌شود که قبل از نیمه اگست ۲۰۲۱، شمار دانشجویان افغان در دانشگاه‌های ایران خیلی کم بوده؛ اما پس از نیمه اگست افزایش بی‌پیشینه داشته است. در گذشته اگر کسانی در دانشگاه‌های ایران درس می‌خواندند، بورسیه داشتند؛ اما برای فعلا زمینه بورسیه فراهم نیست. شاید مهم‌ترین عامل آن، فقدان دولت مشروع در افغانستان باشد.

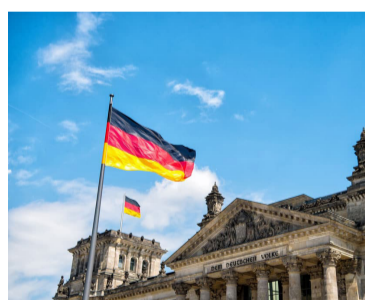
افزایش موارد پول شویی در آلمان؛

برلین نهاد جدیدی برای مبارزه با پول شویی ایجاد می‌کند

است که این نهاد در سال ۲۰۲۴ ایجاد خواهد شد.

براساس پیش‌نویس قانونی که روبرتز آن را مشاهده کرده است، وزارت مالیه آلمان بیش از ۷۰۰ میلیون یورو برای ایجاد این نهاد بین سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۷ اختصاص خواهد داد.

این درحالی است که آلمان سال گذشته توسط گروه ویژه اقدام مالی جهانی (FATF) به‌دلیل کوتاهی در انجام اقدامات کافی برای مقابله با پول‌شویی با وجود این که یکی از بزرگترین مراکز نقدی جهان است، مورد انتقاد قرار گرفت. پدیده پول‌شویی به یکی از مشکلات بزرگ نهادهای نظارت بر تراکنش‌های مالی و تأمین مالی تروریسم در آلمان تبدیل شده است.



به‌دنبال افزایش موارد مشکوک به پول‌شویی در آلمان، قرار است برلین یک نهاد جدید تحت نام «اداره اطلاعات مالی فدرال برای مبارزه با پول‌شویی» ایجاد کند.

روبرتز روز دوشنبه، ۲۴ جولای، گزارش داده

خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۷۹۹ Shaparsepahr@gmail.com

نشانی پستی: ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صبح
روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل Sanjar.sohail@8am.media

مدیرمسوول: محمد محق Mohammad.moheq@8am.media

سردبیر: حسیب بهش Hasib.baresh@8am.media

تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی

دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

دبیر تولید: محمد نوید جویرا

Publisher:

Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:

Mohammad Moheq

Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/HashteSubdaily

Twitter.com/@Hashtesubdaily

instagram.com/8am.media_official

www.8am.media

پس از اعلام ایلان ماسک، مالک توئیتر مبنی بر تغییر لوگوی این شبکه اجتماعی، پرنده آبی معروف کنار رفت و جای خود را به حرف ایکس (X) داد. ماسک روز دوشنبه، ۲۴ جولای، با نشر توئییتی از لوگوی جدید این رسانه اجتماعی رونمایی کرده است. او گفته است که پس از این پست‌های توئیتری به جای «توئیتر»، به نام X شناخته خواهند شد. این در حالی است که ایلان ماسک روز گذشته اعلام کرده بود که به دنبال تغییر لوگوی توئیتر است. او نوشته بود: «به زودی با برند توئیتر و به تدریج با همه پرنده‌گان خداحافظی خواهیم کرد.» گفتنی است که آقای ماسک پس از خریداری این شبکه اجتماعی محبوب، تغییرات گسترده‌ای را در آن اعمال کرده است.

حکم بازداشت عمران خان صادر شد



بربنیاد گزارش‌ها، کمیسیون انتخابات پاکستان حکم بازداشت عمران خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان را صادر کرده است.

شبکه تلویزیونی جیو نیوز روز دوشنبه، ۲۴ جولای، این موضوع را گزارش داده است. قرار است او در آستانه برگزاری انتخابات پاکستان بازداشت شود. تا کنون مشخص نشده است که دلیل صادر شدن این حکم چی می‌باشد.

این در حالی است که خان در ماه می سال روان میلادی در ارتباط با یک پرونده فساد که باعث ناآرامی‌ها در سراسر آن کشور شد، بازداشت شده بود. وی ظرف چند روز با قرار وثیقه آزاد شد.

این در حالی است که همزمان با نزدیک شدن انتخابات پاکستان، ده‌ها تن از چهره‌های سرشناس حزب تحریک انصاف پاکستان به رهبری عمران خان، این حزب را ترک کردند.

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، گفته است که پیش از پایان دوره پنج‌ساله پارلمان این کشور، از قدرت کنار می‌رود و احتمالاً انتخابات سراسری در این کشور تا ماه نوامبر برگزار شود.

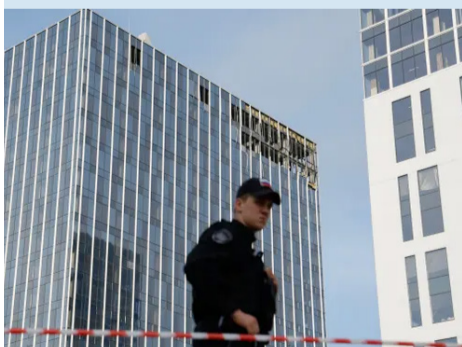
بیش از ۲۰ سرباز سومالیایی در یک حمله انتحاری کشته شدند

دوشنبه، ۲۴ جولای، در یک کمپ آموزش نظامی در موگادیشو، پایتخت سومالیای رخ داده است. به گفته مقام‌های سومالیایی، حمله بر اکادمی نظامی «جلیل سیاد» توسط گروه الشباب انجام شده است. در همین حال، برخی از اعضای پارلمان سومالیایی گفته‌اند که در نتیجه این حمله ۲۷ تن کشته و نزدیک به ۶۰ نظامی دیگر زخمی شده‌اند. تا اکنون مشخص نیست که فرد انتحاری چگونه خود را به این کمپ نظامی رسانده است. گروه الشباب که با القاعده رابطه نزدیک دارد، هزارگانهی حملات مسلحانه را در سومالیایی و برخی کشورهای دیگر افریقایی سازماندهی می‌کنند. الشباب از سال ۲۰۰۶ میلادی به این سو با حکومت سومالیایی و نیروهای حافظ صلح اتحادیه افریقا درگیر نبرد است.



مقام‌های سومالیایی اعلام کردند که در پی یک حمله انتحاری در این کشور دست کم ۲۰ سرباز این کشور کشته شدند. بربنیاد گزارش خبرگزاری فرانسه، این حمله روز

حمله پهپادی اوکراین بر پایتخت روسیه



رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که ارتش اوکراین با چند پهپاد به شهر مسکو، پایتخت روسیه، حمله کرده است.

گاردین به نقل از وزارت دفاع روسیه گزارش داده که این حمله صبح دوشنبه، ۲۴ جولای، انجام شده است. وزارت دفاع روسیه در بیانیه‌ای افزوده است: «امروز صبح حمله تروریستی رژیم کی‌یف با استفاده از دو هواپیمای بدون سرنشین دفع شد.»

در همین حال، سرگنی سوبیانین، شهردار مسکو، گفته است، دو پهپاد اوکراینی که به مسکو حمله کردند، با ابزارهای جنگ الکترونیک ارتش روسیه سقوط داده شده‌اند.

از سوی هم، کاربران شبکه‌های اجتماعی با انتشار تصاویری نوشتند که این پهپادها به یک ساختمان تجاری در حال ساخت برخورد کرده‌اند.

تا کنون از تلفات و خسارات برخاسته از این حمله گزارشی منتشر نشده است.

گفتنی است که کی‌یف در این اواخر حملات پهپادی خود به شهرهای بزرگ روسیه از جمله مسکو را افزایش

داده است. در تازه‌ترین مورد دو روز پیش در پی حمله پهپادی ارتش اوکراین به جزیره کریمه، یک ذخیره‌گاه بزرگ مهمات آتش گرفت. ارتش روسیه نیز تاکتیک جنگی خود را تغییر داده و بیشتر زیرساخت‌ها در شهرهای مختلف اوکراین را هدف حملات موشکی قرار داده است.

تصویب طرح اصلاحات قضایی از سوی پارلمان اسرائیل؛ امریکا: تاسف بار است



دموکراسی نیست، بلکه جوهره دموکراسی است.» او تصویب لایحه ارایه شده دولتش به پارلمان اسرائیل را یک حرکت دموکراتیک ضروری خواند.

با وجود اعتراضات گسترده، نمایندگان پارلمان اسرائیل لایحه بسیار جنجالی‌تر تغییرات قضایی را تصویب کردند.

این قانون قدرت دیوان عالی را برای نادیده گرفتن اقدامات دولتی که آن را غیر معقول می‌داند، سلب می‌کند.

این اولین مورد از یک سری تغییرات مورد مناقشه به هدف محدود کردن قدرت دادگاه‌ها است، که تصویب می‌شود.

لایحه دولت نتانیاهو شکاف سیاسی و اجتماعی بزرگی در اسرائیل ایجاد کرده است و معترضان ماه‌هاست که تظاهرات می‌کنند و این لایحه را موجب از دست رفتن استقلال قوه قضاییه می‌دانند.

با این حال، دولت نتانیاهو می‌گوید دستگاه قضایی، که قاضی‌های آن بدون رای مردمی منصوب می‌شوند، در کار دولت که با رای عموم انتخاب می‌شود، مانع تراشی می‌کند.

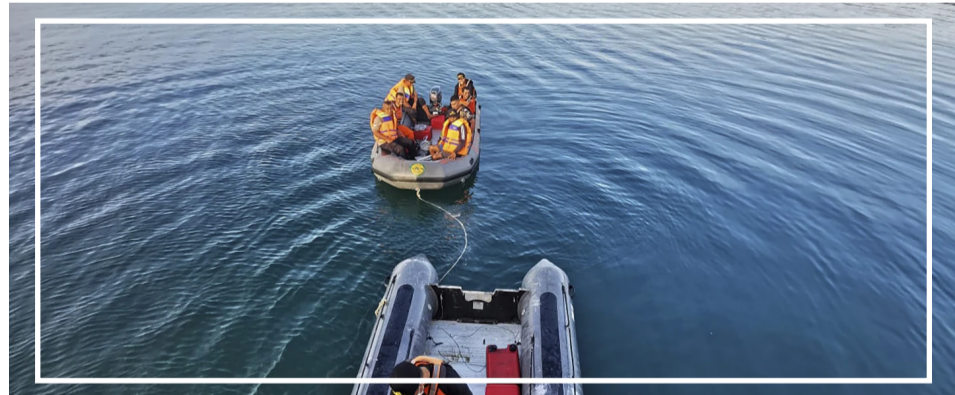
کاخ سفید در واکنش به تصویب طرح دولت بنیامین نتانیاهو مبنی بر اصلاحات قضایی از سوی پارلمان آن کشور، واکنش نشان داد.

کارین ژان پیر، سخنگوی کاخ سفید روز سه‌شنبه، ۲۴ جولای، در یک نشست خبری، تصویب این طرح را «تاسف‌بار» خواند.

او تصریح کرد: «جای تاسف دارد که رای‌گیری امروز با کوچک‌ترین اکثریت ممکن صورت گرفت. ما درک می‌کنیم که مذاکرات همچنان در جریان است و در ماه‌های آینده حتی با بسته شدن پارلمان اسرائیل برای حصول توافق جامع‌تر ادامه خواهد داشت. ایالات متحده تا زمانی که اسحاق هرتزوک و دیگر رهبران اسرائیل به دنبال دستیابی به اجماعی گسترده‌تر از راه گفت‌وگوی سیاسی باشند، از تلاش‌های آن‌ها حمایت می‌کند.»

در همین حال بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل پس از رای مثبت پارلمان آن کشور به اصلاحات قضایی ارایه شده گفت: «تحقق اراده رای دهنده‌گان به هیچ وجه پایان

واژگونی قایق اندونیزیایی؛ ۱۵ تن کشته و ۱۹ تن ناپدید شدند



غواص برای جست‌وجوی ناپدیدشده‌گان مستقر شدند. گفتنی است که هزاران تن از ساکنان برای جشن نهمین سالگرد سلطنت روز یک‌شنبه، ۲۳ جولای، با قایق‌های مسافری به روستاهای خود سفر می‌کرده‌اند.

اندونیزیایی بیش از ۱۷ هزار جزیره دارد که شهروندان آن از قایق و کشتی‌ها به شکل سنتی استفاده می‌کنند. این در حالی است که در سال ۲۰۱۸ نیز ۱۶۷ تن در ولایت سوماترای شمالی در نتیجه واژگون شدن یک کشتی کشته شدند.

پیش از این هم در سال ۱۹۹۹، ۳۱۲ تن در پی غرق شدن یک کشتی در این کشور، جان خود را از دست داده‌اند.

مقام‌های اندونیزیایی می‌گویند که در پی واژگون شدن یک قایق مسافری در نزدیکی جزیره سولاوسی این کشور دست کم ۱۵ تن کشته و ۱۹ تن دیگر ناپدید شدند.

آسوشیتدپرس، به نقل از محمد عرفه، رییس سازمان نجات محلی اندونیزیایی، روز دوشنبه، ۲۴ جولای، گزارش داده که این قایق از روستای لانتو در منطقه بوتون مرکزی ولایت سولاوسی به سمت روستای لاگیلی در حرکت بود که بعد از نیمه شب گذشته واژگون شد.

براساس اطلاعات، این قایق چوبی که گنجایش ۲۰ تن را داشت، اما ۴۰ تن را حمل می‌کرد. عرفه گفته است که پنج قایق بادی و ماهی‌گیری و شش